



عناصر ایجادکننده سرمایه اجتماعی قوه قضائیه به مثابه حق عام سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری؛ کاربست و مؤلفه‌ها

مهدی زارع*

چکیده

سرمایه اجتماعی مهم‌ترین عامل دستیابی به کمال اجتماعی است که با جهت‌بخشی به زندگی، حس خوشبختی و انسجام را به یک جامعه اعطا می‌نماید؛ انسجام جامعه سبب برون‌رفت آسیب‌های اجتماعی خواهد شد. عنصر حسن اعتماد، اصلی‌ترین رکن سرمایه اجتماعی است که با توسعه مفهومی آن رشد مشارکت مدنی، در حکومت را شاهد خواهیم بود. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، حسن اعتماد، انسجام حکومت و توسعه اجتماعی جامعه را در پی خواهد داشت و با فقدان دال اعتماد مردمی نسبت به دستگاه قضا، امید مردم نسبت عدالت و مراجعه به دستگاه قضاء کاهش می‌یابد و بالطبع بحران‌های اجتماعی و بزهکاری در جامعه گسترش خواهد یافت.

در منظومه فکری رهبری، اعتماد به دستگاه قضا در مرحله گذر از بحران‌های موجود و کاهش بزهکاری در روند توسعه سیاسی-اجتماعی می‌تواند، به نحو مؤثری به نظام اسلامی کمک می‌کند؛ و در ورودی و خروجی نظام، تصمیم‌گیری‌ها، الگوسازی‌ها، عملکردها و به عنوان یک عامل مؤثر شمرده شود و عدم اعتماد افزایش بزهکاری را در پی خواهد داشت. در اندیشه مقام معظم رهبری، عملکرد مطلوب دستگاه قضاء در گسترش عدالت که از طریق رعایت مؤلفه‌های اعتماد ساز حاصل می‌شود، سبب اعتماد عمومی مردم به حکومت و قطعیت در برابر تحقق دادخواهی را نتیجه می‌دهد و عنصر بی‌اعتمادی به دادگستری می‌تواند زمینه ایجاد بحران‌های اجتماعی مانند نقض گسترده قانون را فراهم کند. از مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتماد ساز در اندیشه مقام معظم رهبری، می‌توان به ضرورت پاسخ‌گویی،

* دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

فروتنی، احترام به کرامت انسانی، نهضت خدمتگزاری و استقلال قضات اشاره نمود.
واژگان کلیدی: منظومه فکری رهبری، قوه قضائیه، سرمایه اجتماعی، اعتماد، بحران اجتماعی، کاهش بزهکاری.



مقدمه

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری با نام سرمایه اجتماعی (social capital)، اذهان اندیشمندان را به خود مشغول کرده است که از ارزش بیشتری نسبت به سایر سرمایه‌ها برای حکمرانی برخوردار است (Bourdieu, 1986: 241)، این نوع سرمایه را شاید بتوان بر دارایی‌های اقتصادی و انسانی هر نظام سیاسی مقدم دانست، چراکه هیچ کشوری بدون سرمایه اجتماعی از طرف مردمان، نمی‌تواند به کمال و هدف غایی خود دست یابد. گفتنی است که بسیاری از کشورها بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به قله‌های موفقیت دست یابند. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به زندگی افراد جامعه جهت می‌دهد و احساس خوشبختی فردی را به آن‌ها اعطاء می‌نماید. در نتیجه هرچه بتوان سرمایه اجتماعی منسجم‌تری را برای یک ملت مهیا نمود، پیشرفت بیشتری برای آن جامعه به ارمغان خواهد رسید.

دغدغه گسترش سرمایه اجتماعی در قرن‌های اخیر اذهان اندیشمندان در تمدن‌های فکری را به خود مشغول کرده است، به طوری که میزان کارآمدی نظام سیاسی در دولت‌های مدرن با میزان رضایت‌مندی مردم از حکومت سنجیده می‌شود و مشروعیت حکومت از این موضوع نشئت می‌گیرد. از این‌رو یکی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه در کشور، در جهت توسعه عدالت در کشور تقویت مؤلفه‌هایی است که اعتماد عمومی را به حاکمیت اسلامی مستحکم‌تر نماید و نسبت به تحقق این راهبرد از دستگاه‌های مختلف از قبیل دستگاه قضائی در کشور، انتظاراتی را جهت پیگیری بیان داشته‌اند. از جهت دیگر دستگاه قضاء نیز در کشور، سرمایه‌گذاری‌های متعددی را در بخش‌های سرمایه اقتصادی و انسانی در راستای گسترش عدالت به کار گرفته است، اما از لزوم توجه به سرمایه‌های اجتماعی جهت حسن اعتماد و مشارکت اجتماعی به عنوان عنصری که بر گسترش عدالت تأثیرگذار است کمتر سخن به میان آمده است؛ این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایطی که وجود آسیب‌های اجتماعی و ارتکاب جرم در کشور عدد فزاینده‌ای دارد، نیازمندی به اعتمادسازی بیش از هر سرمایه دیگری احساس می‌شود و سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های دیگر می‌تواند بسیاری از معماهای درهم‌تنیده دادگستری در کشور را حل نماید (متولی و بی‌نیاز، ۱۳۸۱: ۵۰) و راه رسیدن به گسترش عدل را سهل نماید. از آنجا که هر حکومتی راه حل تنش‌ها و بحران‌ها و مشکلات خود را در حدود مبنای پذیرفته شده فکری خود جستجو می‌کند، ضروری است که این موضوع بر پایه منظومه فکری مقام معظم رهبری بررسی گردد تا ساختاری را جهت استحکام و توسعه سرمایه‌های انسانی عمومی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و عنصر حسن اعتماد مردم، در فرایند گسترش عدالت نقش بیشتری ایفا نماید.

این پژوهش در ابتدا در صدد تحلیل جایگاه اعتماد به عنوان رکن سرمایه اجتماعی است و سپس به دنبال این است تا مؤلفه‌هایی که از دیدگاه مقام معظم رهبری، می‌تواند در تحصیل سرمایه اجتماعی قوه قضائیه اثرگذار باشد و عدالت را به ارمغان خواهد آورد، تشریح نماید. درواقع پرسش اصلی در این نوشتار بدین قرار است که در اندیشه مقام معظم رهبری چه راهبردها و راهکارهایی در جهت تقویت و گسترش حسن اعتماد به قوه قضائیه به عنوان یک سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌شود؟

بی‌شک عنصر «مردم» در منظومه فکری مقام معظم رهبری نقش بسزایی را ایفا می‌کند و هرچه اعتماد مردم نسبت به ارکان حکومت محکم‌تر باشد، به تبع آن سرعت پیشرفت در جهت تحقق تمدن اسلامی نیز شایان توجه خواهد گردید؛ و با فقدان و یا ضعف دال اعتماد مردمی در ارتباط با احقاق عدالت، حرکت رشد جامعه اسلامی مختل خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی قدرت بیشتری را برای رشد و گسترش در جامعه اسلامی ایجاد خواهند کرد، چراکه با ایجاد بحران در اجتماع، بحران‌های خردتر همچون جرم‌خیزی، فحشاء، خشونت، جامعه‌گریزی، عدم اعتماد به نفس و... شایع خواهد شد. از آنجاکه مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم عنوان شده، یک مفهوم وارداتی است، لذا در پژوهش‌ها به عنوان سرفصلی مجزا کمتر به آن پرداخته شده است، مخصوصاً در حیطه ارتباطات مردم و حکومت اسلامی از نگرش مقام معظم رهبری و عواملی که این رابطه را سازمان‌دهی می‌کنند، بررسی شاخصی انجام نشده است و سابقه پژوهشی ندارد.

قابل ذکر است که روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از اسناد، کتاب‌ها، مقالات معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع بوده است و با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی و شیوه تحلیل محتوای متن و با اطلاعاتی که از طریق فیش‌برداری جمع‌آوری شده‌اند، پژوهش انجام می‌گیرد.

۱- مفهوم‌شناسی

سرمایه اجتماعی: به صورت کلی سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته‌اند که از تعامل‌های روزمره افراد به دست می‌آید (Bullen, 1998: 7). تعاریف متفاوتی برای سرمایه اجتماعی ارائه شده است، اما بسیاری از تعاریف به نمودهای سرمایه اجتماعی - نه به خود آن - اشاره می‌کند (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۲۵). بوردیو با نگاه ابزاری به تعریف سرمایه اجتماعی وارد می‌شود و سرمایه اجتماعی را ابزاری برای جلب سرمایه اقتصادی می‌داند و روابط اجتماعی را فرایندی در جهت خلق منفعت مالکان سرمایه می‌داند (Portes, 1998: 3) و در پایان از سرمایه اجتماعی به مجموعه منابع حقیقی یا بالقوه‌ای تعبیر می‌کند که در رابطه با مالکیت، شبکه پایداری از روابط کم‌وبیش نهادینه شده را براساس آشنایی و پذیرش متقابل به وجود می‌آورد (Bourdieu, 1983: 196). در برابر این تعریف گُلْمَن، سرمایه اجتماعی را با نوعی

تعریف کارکردی، ابزاری در جهت حصول سرمایه انسانی به کار می‌برد (حق شناس، ۱۳۸۴: ۷) و بیان می‌کند هر آنچه از شبکه ارتباطات، اعتماد، حس عمل متقابل و هنجارهای اجتماعی که تسهیل فعالیت فردی یا اجتماعی را به دنبال داشته باشد، سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود. از نظر وی، سرمایه اجتماعی یک منبع خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند، اما نفع جامعه از آن کاملاً وابسته به کاربرد آن در موقعیت‌های خاص اجتماع است (Foley, 1997: 554-56). پوتنام نیز رکن سرمایه اجتماعی را ارزش جمعی و تمایلات ناشی از آن ارزش‌ها در شبکه‌های اجتماعی می‌داند که با هدف کمک به یکدیگر به وجود می‌آیند. او ادعا می‌کند که میزان سرمایه اجتماعی را با میزان اعتماد مردم به حکومت و در نتیجه مشارکت مدنی می‌توان سنجید (Putnam, 2001: 19).

تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه‌شناسی آمریکایی - به‌ویژه در روایت کارکردگرایانه - عبارت است از روابط دوجانبه تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به‌عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود. در مقابل جامعه‌شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می‌گیرند که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله‌مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با این وجود، نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش برخی ویژگی‌ها مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است (Wall and Frans, 1998: 312-316).

با جمع‌بندی نظرات ابراز شده سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها ارزش‌ها و درکی دانست که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل، تسهیل می‌کند و این سرمایه را غالباً با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌کنند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۳). تعریف دیگری که مفاهیمی همچون جامعه مدنی و نهاد های اجتماعی را از جهت مفهومی به سرمایه اجتماعی نزدیک می‌کند، تعریف فوکویاما است، بدین صورت که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و در نتیجه پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد (Fukuyama, 2001, 7). گفتنی است که داگلاس نورث با جدیدترین تعریف خود از سرمایه اجتماعی، روابط رسمی و ساختارهایی مانند نهادهای در سطح کلان از جمله حکومت، رژیم سیاسی، سیاست‌های حقوقی و نظام دادخواهی را در تعریف وارد می‌کند (Feldman and Assaf, 1999).^۱

۱. همچنین رجوع شود به:

Keefer, P, Knack, S. (2008). Social Capital, Social Norms and the New Institutional Economics. In: Ménard, C, Shirley, M.M. (eds) Handbook of New Institutional Economics. Springer, Berlin,

اعتماد: در فرهنگ معین از اعتماد به تکیه کردن بر، واگذار کردن کار به کسی، سپردن چیزی به کسی، وثوق و اطمینان تعبیر شده است (معین، ۱۳۷۱). در بررسی منابع اسلامی اصطلاحاتی همانند اعتماد، ثقه، اطمینان، رکون، توکل و مشتقات آن‌ها با تفاوتی در مفهوم اعتماد به کار رفته است. البته واژگان اطمینان، امن و رکون به مفهوم خاصی از اعتماد دلالت دارد؛ اما به صورت کلی اعتماد انتظاری مثبت است که انتظار می‌رود افراد -اعم از حقیقی یا حقوقی- در خلال گفتار و رفتارشان به صورت فرصت طلبانه عمل نکنند (Hind, 1991). گیدنز اعتماد را در سطح کلان بدین صورت بیان می‌کند که جوامع مدرن به نظام‌های تخصصی اعتماد می‌کنند و اعتماد، کلید رابطه بین فرد و نظام‌های تخصصی است. اعتماد همان چیزی است که جوامع مدرن را یکپارچه نگه می‌دارد. اعتماد نوعی دل به دریا زدن است و هرگاه سست شود، افراد و گروه‌های اجتماعی ناامنی را تجربه خواهند کرد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۱). دوییچ نیز رفتار اعتماد کردن را کنش‌هایی می‌داند که آسیب‌پذیری شخص (اعتمادکننده) را نسبت به دیگری (اعتمادشونده) که رفتارش در وضعیت ویژه‌ای تحت کنترل افراد نیست، افزایش می‌دهد. وضعیتی که در آن زبان اعتمادکننده، در صورت سوءاستفاده دیگری (اعتماد شونده) بیشتر از منفعتی است که شخص (در صورت عدم سوءاستفاده) دریافت خواهد کرد (کلمن، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

۲- کاربست سرمایه اجتماعی قوه قضائیه

تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر ایجاد آسیب‌های اجتماعی امروزه بر کسی پوشیده نیست و لذا هرچقدر مردم نسبت به خروجی عدالت از مراجعه به دستگاه قضائی اطمینان بیشتری داشته باشند، بالطبع آسیب‌های اجتماعی در جامعه نیز روند کاهشی خواهد داشت؛ چرا که رابطه معناداری میان اعتماد و مخاطرات روانی که عامل مهمی در ایجاد آسیب‌های اجتماعی وجود دارد.^۱ از این رو «سرمایه و سرمایه‌ی اصلی ما مردم‌اند؛ اعتماد مردم و امید مردم، کمک‌کار همه‌ی دولت‌ها است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۶/۳)؛ محوریت‌بخشی به مردم را می‌توان به عنوان یکی از بنیادین‌ترین ارکان حکمرانی در اندیشه مقام معظم رهبری قلمداد نمود که در حکمرانی قضائی نیز تسری می‌یابد؛ چرا که مردم به عنوان ذی‌حق به قوه قضائیه مراجعه کنند و محوریت احکام دادگستری نیز تکالیفی است که بر دوش مردم گذاشته می‌شود. اگر انگیزه کافی برای احقاق حق یا انجام تکالیف مشاهده نشود، پیشبرد عدالت در جامعه نیز مختل می‌شود.

Heidelberg.

۱. برای مطالعه بیشتر جهت این همبستگی رجوع شود به: بهارک باقری زنوز، محمود علمی (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی؛ نشانه‌های آسیب‌شناختی روابط اجتماعی در ایران، مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۵.

مقام معظم رهبری یک رکن مهم از اقتدار ملی را وجود قوت در عواملی از قبیل اعتماد ملی، مثل امید ملی، امید عمومی، مثل اعتماد به نفس ملی که به طور مستقیم به مردم باز می‌گردد عنوان می‌نمایند؛ ایشان بیان می‌کنند که یک وقت مسئول فلان بخش دستگاه اداری کشور، آدم دارای اعتماد به نفسی است اما یک کاری می‌خواهید انجام بدهد که احتیاج به کمک مردم دارد؛ [اگر] مردم این اعتماد به نفس را نداشته باشند، شما نمی‌توانید این کار را انجام بدهید؛ یا استحکام ایمان ملی؛ یک اصولی وجود دارد که ملت ما به این اصول مؤمن است؛ این ایمان موجب شد که در آن وقتی که در دست مردم هیچ اسلحه‌ای نبود، حتی سنگ هم خیلی اوقات نبود، توانستند در مقابل گلوله‌ی نظامیان رژیم طاغوت بایستند و او را سرنگون کنند؛ [این] بر اثر ایمان بود. این ایمان ملی خیلی سرمایه‌ی ارزشمندی است؛ حفظ ایمان ملی، یکی از این سرمایه‌ها است که به مردم ارتباط پیدا می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

به عنوان نمونه در تحقیقی که در ۳۹ کشور توسعه یافته و در حال توسعه انجام گرفت، گفته شده است که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک می‌تواند سطح خشونت را در جامعه کاهش دهد یا پایین نگه دارد و در نتیجه از وقوع جرم و خشونت پیشگیری کند (Ledeman, 1999)، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نیز در گزارش خود و بر اساس تحقیقات انجام شده، عنوان کرده است که مناطق یا ایالاتی که از سطح بالاتری از اعتماد و مشارکت برخوردارند، معمولاً از حکومت‌هایی با کیفیت بالاتر برخوردار هستند (OECD, 2001) و نیز از سال ۱۹۰۱ که امیل دورکیم رابطه بین نرخ خودکشی و انسجام اجتماعی را مطرح کرد، تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گرفت و نشان داد که سرمایه اجتماعی بالاتر و انسجام اجتماعی بیشتر، به بهبود شرایط بهداشت جامعه کمک می‌کند و در نتیجه اعتمادی که در شبکه‌های رسمی و غیررسمی وجود دارد، به مردم کمک می‌کند تا شرایط اجتماعی جامعه را بهبود دهند (Kawachi and others, 1997: 56-59).

در زمینه احساس دارایی کودک از سرمایه اجتماعی خانواده و جامعه، تحقیقات نشان داده است که در این کودکان احتمال کمتری برای ترک تحصیل وجود دارد (Lichter and others, 1994: 53-57)؛ کلمن نیز رابطه سرمایه اجتماعی در خانواده و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را مورد توجه قرار داده است (Coleman, 1988).

با توجه به تحقیقات مزبور می‌توان چنین استدلال کرد که بین عنصر اعتماد و ایجاد سرمایه اجتماعی همبستگی وجود دارد، به گونه‌ای که اگر افراد یک جامعه نسبت به قوه قضائیه اعتماد فزاینده‌ای داشته باشند، این امر افزون بر آنکه می‌تواند بر مدیریت امور قضائی در کشور تأثیر برجای گذارد و به صورت مستقیم منتهی به کاهش جرایم گردد، سبب می‌شود تا مردم روابطشان با خانواده، سایر افراد حاضر در اجتماع و نهادهای اجتماعی مطلوب‌تر گردد؛ اما اگر در جامعه‌ای اعضا روند غیرقابل اعتماد

را پیش گیرند، آن جامعه در مورد پیروی از قوانین، جرم، خودکشی، خشونت، شرایط بهداشتی و سایر شاخصه‌های اجتماعی، بحران‌های اجتماعی زیادی را متحمل خواهد شد (Cox, 1997: 1-4)؛ لذا عدم توجه به ایجاد اعتماد عمومی سبب نقض بسیاری از حق‌های عمومی می‌گردد.

عنصر اعتماد تمامی روابط افراد یک جامعه و نهادهای حاکمیتی را پیوند می‌دهد و اساسی را ایجاد می‌کند تا جامعه با عمل به آن فرایند رهبری را تحقق بخشد و تغییرات اجتماعی مطلوب شکل گیرند (عارف کشفی، ۱۳۷۶: ۴۳)؛ «مردم وقتی به شما اعتماد کردند و امید به شما داشتند، با شما راه می‌آیند و کمکتان می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۶/۶) و به واسطه وجود اعتماد، مردم در پایبندی به قوانین اهتمام بیشتری می‌ورزند و در جهت بهبودی محیط اطراف با انگیزه بیشتری قدم برمی‌دارند و در صورت عدم اعتماد، قوانین متروک افزایش می‌یابد و بسیاری از حق‌های شهروندی مردم در معرض نقض قرار می‌گیرد.

گفتنی است که ایجاد و تقویت عنصر اعتماد، از فرایند توسعه ارتباطات شکل می‌گیرد و هرچه ارتباطات سازنده بین مردم و نظام دادگستری رونق بیشتری یابد، چالش‌های تهدیدکننده این ارتباط بیشتر مورد واکاوی قرار گرفته و حس تعلق به گروه و مشارکت جمعی بیشتری شکل می‌گیرد و اعتماد بین مردم و قوه قضائیه عمق بیشتری می‌یابد و با تعاون و همیاری، علاوه بر آنکه مشکلات قضائی آسان‌تر برچیده خواهد شد، زمینه شیوع آسیب‌های اجتماعی نیز کاهش خواهد یافت.

مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه خوش بینی نسبت به قوه قضائیه را یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی قلمداد می‌کند و بیان می‌کنند که «این اعتماد مردم به دستگاه‌های فعال در جمهوری اسلامی یک سرمایه‌ی بزرگ اجتماعی است و هیچ چیزی با این معادل نیست که بحمدالله این دستاورد را قوه قضائیه داشته» [است] (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۴/۷).

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، صیانت از سرمایه اجتماعی توسط قوه قضائیه از اهمیت بیشتری نسبت به سایر دستگاه‌ها برخوردار است، چراکه برقراری نظم و امنیت در شئون مختلف مهم‌ترین کارکرد کارآمدی هر حکومتی شمرده می‌شود و اگر مردم نسبت به امور امنیتی و قضائی از اطمینان کافی برخوردار نباشند، چالش‌های جدی در روابط مردم و حکومت ایجاد خواهد شد؛ از این‌رو ایشان بیان می‌کنند که «جلب اعتماد افکار عمومی، یکی از آن اساسی‌ترین کارها است برای قوه قضائیه؛ البته برای همه‌ی دستگاه‌ها همین‌جور است، منتها قوه قضائیه چون با دعوا سروکار دارد و وارد میدان دعوا و معارضه با متجاوز و متعدی از قانون می‌شود، بیشتر از اغلب دستگاه‌های دیگر به اعتمادسازی احتیاج دارد؛ هم خود قوه قضائیه، هم دستگاه‌هایی که ضابط قوه قضائیه‌اند؛ آن‌ها هم همین‌جور. مثلاً فرض کنید نیروی انتظامی که ضابط قوه قضائیه است، نیاز دارد به اینکه مردم به او اعتماد کنند تا

[اگر] یکجا لازم است یک اعمال قدرتی بکند، یک خشونت به خرج بدهد، مردم آن قدر به او اعتماد داشته باشند که بگویند آهان! این جایش بود، لازم بود، باید این کار انجام می‌گرفت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۴/۶).

بیانات رهبری در کاربست‌های مختلف، دلالت بر ضرورت کسب و صیانت از سرمایه اجتماعی توسط قوه قضائیه می‌نماید و جامعه‌ای که این گزاره‌ها در کارکردهای روزمره مردم و فرایند دادگستری نهادینه شده است، سطح اعتماد روابط متقابل مردم و کارگزاران قوه قضائیه، می‌تواند در سطح مطلوب قرار گیرد. باتوجه به بیانات فوق می‌توان چنین برداشت کرد که فروپاشی اعتماد متقابل حکومت و مردم در جامعه اسلامی و با نبود حسن اعتماد زمینه‌های لازم برای گسترش ناپهنجاری در جامعه ایجاد خواهد شد و در مقابل عملکرد قوه قضائیه می‌تواند به ارتقای اعتماد و در نتیجه سرمایه اجتماعی کمک کند.

باتوجه به مطالب فوق می‌توان چنین برداشت کرد که با گسترش اعتماد عمومی به دستگاه قضائی، آسیب‌های اجتماعی در جامعه کاهش می‌یابد و بسیاری از حقوق عامه مردم نقض می‌گردد؛ در نتیجه اعتماد عمومی را می‌توان یک حق عام سیاسی قلمداد کرد که با نقض آن بسیاری از حقوق دیگر مردم در معرض نقض قرار خواهند گرفت. از بعد دیگر نیز در نگرش اسلامی اقامه حکومت با مقبولیت عمومی رخ می‌دهد؛ از این رو عواملی که سبب کاهش حضور مردم در حکومت شوند یا عنصر مقبولیت حکومت را مورد تعدی قرار دهند، این حق نقش مردم در حکمرانی را نقض کرده‌اند، لذا از این بعد ایجاد اعتماد عمومی را نیز می‌توان یک حق عام سیاسی در نظر گرفت که با فقدان آن حق نقش‌پذیری مردم در حکومت نقض می‌گردد.

۳- راهبردهای صیانت از سرمایه اجتماعی قوه قضائیه

در هندسه فکری رهبری، اعتماد به حاکمیت به عنوان یک دستاورد محسوب می‌گردد که همه کارگزاران برای تحقق آن می‌بایست تلاش کنند. می‌توان بیان کرد که جایگاه قوه قضائیه برای کسب سرمایه اجتماعی در میان سایر قوا از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چراکه تجلی سلامت یک نظام سیاسی با مشاهده دستگاه دادگستری ارزیابی می‌شود؛ از این رو، رهبر معظم انقلاب بیان می‌نمایند که «قضاء در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است. اگر دستگاه قضائی سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و اجحاف و تجاوز و این غصه‌های بزرگ بشری، سالم است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۴/۵).

ایشان به عنصر فاعلی در تحقق سرمایه اجتماعی بر دو وجه تأکید می‌نمایند؛ از یک جهت کارکرد مطلوب قوه قضائیه را به عنوان یک مؤلفه در ایجاد سرمایه اجتماعی مؤثر می‌داند و از سوی دیگر تمرکز بر اقناع

عمومی در موضوعات می‌تواند نقش زیادی در اعتماد و انسجام عمومی محقق نماید. «یک نکته‌ی مهم، انسجام مردم و دستگاه‌های مدیریتی کشور است. مردم بایستی با دستگاه‌های مدیریتی کشور -چه دستگاه قضائی، چه قوه‌ی مجریه، چه بقیه‌ی دستگاه‌ها- ارتباط پیدا کنند؛ انسجام. البته بخش مهمی از این اعتمادسازی به عهده‌ی خود دستگاه‌ها است؛ یعنی خود دولت، خود قوه‌ی قضائیه، خود دستگاه‌های دیگر بایستی رفتارشان، عملشان جوری باشد که جلب اعتماد بکند؛ این بخش به عهده‌ی آن‌ها است، اما بخشی هم به عهده‌ی کسانی است که مخاطب دارند؛ کسانی که بلندگو دارند که بایستی در این بلندگوهای رسمی و غیررسمی، حرف‌هایی زده بشود. ما نباید کاری کنیم که این پشتیبانی و اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی کشور -چه در بخش قضائی، چه در بخش قوه‌ی مجریه و بقیه‌ی بخش‌ها [مانند] نیروهای مسلح- سلب بشود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۶/۱۵).

پیشینه این تکلیف را می‌توان پیشینه در فرامین امیرالمؤمنین (ع) به کارگزاران جست‌وجو کرد. حضرت ضمن تشریح وظایف حاکمان و حقوق مردم، همواره آن‌ها را به رعایت حقوق متقابل سفارش نموده است و هدف از حکومت را دستیابی به قرب الهی می‌داند؛ ازاین‌رو از زما مداران خویش می‌خواهد تا حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان مسلمان و غیرمسلمان و موافق و مخالف را پاس دارند (گل‌صنملو و موحدی، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

جامعه‌وقتی به مدینه فاضله و آرمانی تبدیل می‌شود که هر دو گروه مکلف؛ یعنی مردم و حکومت، حقوق و تکالیف خود را به‌طور کامل انجام دهند و هیچ‌یک به حقوق دیگری تجاوز نکنند. اگر این همکاری تحقق یابد، مردم، صالح و سعادتمند خواهند شد و در صورت قصور و تنگ‌نظری یک‌طرفه، جامعه دچار اختلاف و آشوب می‌شود و فرمانروایان ستمگر، بر مردم حاکم خواهند شد (نهج‌البلاغه، خطبه ۶) از آنجا که پس از تشکیل حکومت، ضروری است که ابتدا دولت حسن رفتار خود برای کسب اعتماد عمومی را به نمایش گذارد، لذا شایسته است که قوای حکومت رفتار خود را بر پایه ایجاد اعتماد بنا نمایند تا همبستگی مردم و حکومت توسعه یابد.

حضرت سجاد (علیه‌السلام) نیز در صحیفه سجادیه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَلْفَ جَمْعُهُمْ، وَ دَبْرُ أَمْرُهُمْ» (صحیفه سجادیه، دعاوه لأهل الثغور)؛ از حق متعال یکدلی و هماهنگی کارگزاران حکومت را تقاضا می‌نماید و بلافاصله پس از آن صحبت از تدبیر و مدیریت امور به میان می‌آورد؛ چراکه با اعتماد و یکدلی قلب‌های تمامی اعضای حکومت، فقط امکان مدیریت جامعه وجود دارد وگرنه تفرقه ثمره‌ای جز فروپاشی را در پی نخواهد داشت.

حضرت سجاد (ع) نیز در بیان آفاتی که کارگزاران حکومت اسلامی را تهدید می‌کند، چنین می‌فرماید: در برابر مؤلفه‌های مذکور، حضرت می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَفْلُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ، وَأَقْلِمْ عَنْهُمْ

أَظْفَارُهُمْ، وَفَرَّقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَأَخْلَعَ وَثَائِقَ أَفْنِدَتِهِمْ» (صحیفه سجادیه، دعاوه لأهل الثغور) درواقع ایشان از خداوند زوال اعتماد و ازهم گسیختگی درونی را برای دشمنان از حق متعال آرزو می‌کند تا سبب جدایی و تفرقه دشمنان اسلام و در نهایت شکست آنان گردد. با توجه به بیانات ایشان می‌توان نتیجه گرفت که اگر حس منیت و برتری و حب دنیا گریبان‌گیر کارگزاران حکومت اسلامی شود، به تبع آن در حکومت اسلامی ایجاد بحران خواهد شد، چراکه حضرت بی‌اعتمادی و ازهم گسیختگی قلب‌های کفار را عامل نابودی و شکست آن‌ها تلقی می‌نماید.

مقام معظم رهبری بر همین اساس زوال اعتماد عمومی و ایجاد دوقطبی بین مردم و مسئولان کشور را مبتنی بر خواست دشمن قلمداد می‌کند و بر ضرورت همبستگی و یگانگی تأکید می‌ورزند. ایشان در این رابطه چنین عنوان می‌کنند که «این [اعتماد مردم به نظام اسلامی] درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمنان ما دارند دنبال می‌کنند؛ می‌خواهند یک دوقطبی‌ای درست کنند بین حکومت و نظام از یک طرف و مردم از یک طرف» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

در این راستا بر آنیم تا عواملی که در ایجاد و توسعه اعتماد مردم نسبت به حکومت دخیل است را مورد تحلیل قرار دهیم و بیان نماییم که توجه نسبت به چه عواملی، پایه‌های حکومت اسلامی را می‌تواند مستحکم نماید.

۴- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه سرمایه اجتماعی

واژه اعتماد می‌تواند به علت گستردگی معنایی، در مرحله گذر از بحران‌های موجود در روند توسعه سیاسی-اجتماعی به‌نحو مؤثری به نظام اسلامی کمک کند. اعتماد در ورودی نظام، تصمیم‌گیری‌ها، الگوسازی‌ها، عملکردها و خروجی نظام می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر شمرده شود و نبود آن ناآرامی و بحران در جامعه را در پی خواهد داشت (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

مقام معظم رهبری موفقیت قوه قضائیه را مرهون دو اصل عنوان می‌کنند و این دو برای تحقق رسالت قوه قضائیه که حل و فصل‌کننده اختلافات و حاکم‌کننده عدل در مقابل ظلم و تجاوز و فساد نیاز است. «برای اینکه قوه قضائیه در این هدف والا موفق بشود، به دو چیز احتیاج دارد: یکی قدرت و اقتدار - که باید قوی باشد - دوم، اعتماد؛ یعنی مردم باید به او اعتماد داشته باشند. رکن دوم - که اعتماد مردم است - با تأمین عدالت امکان‌پذیر خواهد شد، با عمل دقیق و حکیمانه‌ی به قانون تأمین خواهد شد. مردم باید اعتماد پیدا کنند. وقتی دیدند که قوه قضائیه به قول خود در اجرای عدالت عمل می‌کند، اطمینان پیدا می‌کنند. حتی آن‌کسی هم که علیه او حکم داده شده است، وقتی بین خودش و قلبش و خدایش خلوت می‌کند، تصدیق می‌کند که نه حق با آن است. ممکن است در زبان و در ظاهر

زیر بار نرود، اما قلباً قبول خواهد کرد؛ بنابراین یک حالت اعتمادی به قوه قضائیه به وجود می‌آید. این اعتماد لازم است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۹/۶).

رهبر معظم انقلاب تحصیل سرمایه اجتماعی قضائی را بر پایه عنا صری قلمداد می‌نماید که با توجه به آن‌ها اعتماد عمومی مردم به دستگاه قضائی افزایش خواهد یافت و این حرکت فزاینده می‌تواند اثرات متفاوتی را در سطح کلان نظام اسلامی و در سطح خردتر اموری مانند کاهش آسیب‌های اجتماعی را بر جای گذارد. در ادامه به مهم‌ترین عناصر در هندسه فکری ایشان جهت تحصیل سرمایه اجتماعی اشاره می‌گردد.

۴-۱ - ضرورت پاسخ‌گویی و شفافیت در موضوعات قضائی

محاکم دادگستری مانند سایر نهادهای حکمرانی با محوریت مردم موجودیت می‌یابد، پس شایسته است که در مورد عملکرد و تصمیمات و قوای حاکمیتی خود به مردم پاسخ‌گو باشد و پاسخ‌گویی به مردم را جزو وظایفی اساسی خود تلقی نماید و حق دسترسی مردم به اطلاعات را در مجال واخواهی نیز مورد شناسایی کامل قرار دهد و مجموع فعالیت‌هایی که در قوه قضائیه در جهت احقاق عدالت صورت می‌گیرد به افکار عمومی اطلاع‌رسانی گردد و «باید برای انعکاس حجم سنگین کارهایی که در دستگاه قضائی انجام می‌گیرد، از شیوه‌های جدید و جذاب اطلاع‌رسانی و تبلیغی استفاده شود» (مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۵/۴/۹).

مقام معظم رهبری در مورد چیستی پاسخ‌گویی بیان می‌کنند که «پاسخ‌گویی یک حقیقت اسلامی است؛ این همان مسئولیت است. مسئولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه‌ای که هست، در درجه‌ی اول از خود سؤال کند، ببیند رفتار و گفتار و تصمیم‌گیری او تحت تأثیر چه بود؛ عاقلانه و براساس پرهیزگاری بود، یا خودخواهانه و برای شهوات و اغراض شخصی بود، کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت؛ همه‌ی شما مسئولید. البته کسی که حیطه‌ی وسیعی از زندگی انسان‌ها با قلم و زبان و تصمیم او تحت تأثیر قرار می‌گیرد، مسئولیتش به همان نسبت بیشتر است؛ لذا من گفتم مسئولان بلندپایه‌ی کشور، قوای سه‌گانه، از خود رهبری تا آحاد مأموران و مدیران، همه باید پاسخ‌گو باشند؛ پاسخ‌گوی کار خود، پاسخ‌گوی تصمیم خود، پاسخ‌گوی سخنی که بر زبان آورده‌اند و تصمیمی که گرفته‌اند؛ این معنای پاسخ‌گویی است؛ این یک حقیقت اسلامی است و همه باید به آن پایبند باشیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱/۲۶). ضمن اینکه ایشان مرز پاسخ‌گویی کارگزاران نظام اسلامی را در حدود حوزه اختیارات هر فردی بیان می‌کنند، به این معنا که هرکسی در حیطه‌ای که قانون برای تصدی مسئولیت به او واگذار کرده است، باید پاسخ‌گو باشد و هیچ کارگزاری مستثنی از این اصل نمی‌باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۲/۲۲).

علاوه بر اینکه پاسخ‌گویی، از تکالیف هر نهاد حکمرانی تلقی می‌شود، در تشدید و تقویت اعتماد اجتماعی نسبت به نهاد دادگستری نقش مهمی می‌تواند ایفا نماید. در شرایطی که مجاری موثق اطلاع‌رسانی در جامعه وجود نداشته باشد و یا این مجاری به‌درستی نقش اطلاع‌رسانی خود را ایفا ننماید، بازار شایعه و دروغ‌پردازی دامن‌گیر حکومت خواهد شد و اطلاعات نادرست، اعتماد مردم نسبت به مسئولین را سست خواهند نمود، در نتیجه یقین و اعتماد مردم به حکومت و کارگزاران آن متزلزل خواهد شد (مجدی، ۱۳۸۳: ۳۱۰).

در زمینه پاسخ‌گویی به مردم نیز امیرالمؤمنین (ع) خطاب به کارگزاران خود می‌نویسند: «لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ فَأَطَاعُ فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْغَالٌ فِي الْقَلْبِ وَ مَنَهِكَةٌ لِلدِّينِ وَ تَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ» به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود که این‌گونه خودبزرگ‌بینی دل را فاسد و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت‌هاست (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). ابن‌میشم در شرح جمله فوق بیان می‌کند که این نوع برخورد با مردم، خرابی دین و سست شدن بنیاد آن را در پی دارد و نوعی ستمکاری شمرده می‌شود و ستمکاری از مهم‌ترین عواملی است که زمینه ایجاد قیام‌های مردمی علیه حکومت را فراهم می‌کند و آیه مبارکه «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ»^۱ - برای او فرشتگانی است که پی‌درپی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند - بر این مطلب گواهی می‌دهد (حرانی، ۱۳۷۵: ۲۴۰-۲۴۱). رهبر معظم انقلاب با توجه به حدیث مزبور، تصور کارگزاری که به دلیل مسئول‌بودن خود را از پاسخ‌گویی مبری می‌داند، غیر اسلامی می‌داند و برگشت خشم‌آلود مردم به آن کارگزار را نزدیک می‌داند؛ و نتیجه آن را ناخشنودی مردم برای همیشه به سبب خودخواهی و منیت و خودمحوری فرد بیان می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

۴-۲- فروتنی کارگزاران قوه قضائیه

همان‌طور که رفتار با صلابت نسبت به دشمن، بدخواه، توطئه‌گر و دروغ‌گور از عملکردهای خوب مسئولان قضائی در کشور قلمداد می‌کند، نسبت به تعامل با افکار عمومی بر شفقت با مردم تأکید می‌کنند و چنین بیان می‌کنند که «در مقابل آدمِ تهمت‌زن، در مقابل آدمِ فاسد، در مقابل آدمِ متخلف باید با قدرت وارد شد. در مقابل افکار عمومی نمی‌شود این‌جوری ظاهر شد. در مقابل افکار عمومی بایستی با تواضع، با دلسوزی، با محبت وارد شد و با افکار عمومی تفاهم کرد؛ این خیلی چیز مهمی است تا بتوانیم اعتماد افکار عمومی را جلب کنیم. جلب اعتماد افکار عمومی، یکی از آن اساسی‌ترین کارها است برای قوه قضائیه» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۴/۶).

۱. قرآن کریم، سوره رعد، آیه ۱۱.

براین مبنا می‌توان تکبر را از مهم‌ترین رذایل نفسانی انسان و عامل مخرب در زندگی فردی و سازمانی وی محسوب می‌شود. موقعیت کارگزاران و قدرت جایگاهی آنان می‌تواند عامل مهمی در پیدایش تکبر داشته باشد، اگرچه مهم‌ترین عامل تکبر کارگزاران را می‌توان، بی‌توجهی به مقوله مشروعت بخش آنان یعنی مردم و فلسفه وجود شغلی یعنی خدمت به مردم نام برد. تکبر موجب کاهش روابط و همکاری صمیمانه میان افراد می‌گردد و به بهره‌وری، وجهه و اعتبار کارگزاران حکومت آسیب می‌رساند. از عوارض تکبر در اداره حکومت عدم استقبال از اعتماد، مشارکت، دانش و اطلاعات دیگران است، بلکه کارگزار به دلیل موقعیت و امکانات ویژه خود، با رفتارهای آمرانه و تحقیرآمیز، اعضای حکومت را دلسرد و مأیوس می‌کنند. در نتیجه، میان اعضای حکومت در سطوح گوناگون، فاصله ایجاد می‌شود و وظایف مدیریتی مانند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و رهبری با مشکل مواجه می‌گردد (زارعی و اکبری، ۱۳۹۱: ۸۱).

از قول لقمان در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»^۱ خود را در برابر مردم، زبون و پست ننما و در روی زمین با نخوت و غرور راه مرو؛ زیرا خداوند هیچ متکبر خودپسندی را دوست ندارد. از این آیه برداشت می‌شود که انجام هر عمل متکبرانه‌ای غضب حق متعال را در پی خواهد داشت و می‌تواند برای انسان عوامل جبران‌ناپذیری را به دنبال بیاورد. از آنجاکه کارگزار اسلامی وظیفه خطیری در جهت خدمت‌رسانی به مردم دارد، لذا عواقب خودپسندی آنان ضربات بیشتری را به نظام اسلامی وارد می‌نماید و مستحق غضب شدیدتری از جانب حق متعال خواهد بود.

خدای متعال در قرآن کریم ملاطفت و نرم‌خویی با مردم را رحمتی از جانب خود به پیامبر اکرم (ص) بیان می‌کند و می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^۲ در تفسیر اطیب البیان در مورد معنای غلیظ القلب و پیامدهای ناشی از آن آمده است که غلظت قلب عبارت از تند مزاجی است که انسان در ناملایمات بردباری و تحمل ندارد و خشم بر او چیره می‌شود و از صفات بسیار زشت است و بسیاری از اخلاق رذیله از این قوه غضبیه حاصل می‌شود، از جمله تأثیری که می‌تواند در جامعه داشته باشد، کردار غیرعقلانه از انسان سر می‌زند و کینه دوستان را به ارث می‌گذارد و موجی جدایی آنان از یکدیگر می‌شود، به همین دلیل در اخبار وارد شده است که ایمان را فاسد نموده کلید هر شر و مزیل عقل خواهد بود و البته چنین صفتی موجب

۱. لقمان/ ۱۸.

۲. آل عمران/ ۱۵۹.

می شود که دیگران از اطراف او پراکنده شوند حتی اگر او پیغمبر باشد (طیب، ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۰۸). رهبر معظم انقلاب نیز برخورد ملاطفت آمیز را جزو مؤلفه های رفتاری قلمداد می کند که قوه قضائیه می بایست خود را متخلق به آن نماید و کوتاهی نسبت به این مقوله می تواند منجر به کاهش سرمایه اجتماعی قوه قضائیه گردد. ایشان در دیدار با مسئولان قوه قضائیه بیان می نمایند که «[وظیفه ی] قوه ی قضائیه قانون است و حقوق است و بریدن و حد معین کردن است؛ لکن لایه های این چرخ و پَر مهم پولادین قوه ی قضائیه، بایستی وسیله ی تلطیف هم وجود داشته باشد. یک چیزهایی وجود دارد که این ها تلطیف می کند؛ هم خود قوه ی قضائیه را، هم محصول کار قوه ی قضائیه را؛ در خود قوه ی قضائیه با رعایت اخلاق [است]. بخصوص [پرهیز از] بداخلاقی با مراجعین؛ حالا با زیردست ها هم همین جور است اما بیشتر از زیردست ها، مراجعین [هستند]. خوش اخلاقی؛ حتماً موظف کنید خودتان را که با اخلاق [با آن ها] برخورد کنید. باز پرس در مقام بازپرسی، دادستان در مقام مجادله ی با متهم یا وکیل متهم در دادگاه، [وقتی] استدلال می کند، استدلال کند اما این استدلال با اخلاق باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۴/۵).

۴-۳- احترام به کرامت ذاتی انسان

تکریم انسان را یکی از خطوط اصلی در عملکرد و وظایف قوا قلمداد می کند و با تأکید بر تفاوت انسان محوری در اسلام و اومانیسم غربی متذکر می شوند «که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخر او می کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است: «و لقد کرّمنا بنی آدم». این «کرّمنا بنی آدم» - بنی آدم را تکریم کردیم - تکریمی است که هم شامل مرحله تشریع و هم شامل مرحله تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریعی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه ها کاملاً پایه های انسانی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

بنابراین هر انسانی صرف نظر از رنگ و نژاد و ملیت، باید کرامت و حقوق انسانی او در نظام اسلامی مورد تضمین قرار گیرد و یکی از مهم ترین فلسفه های وجود ادیان الهی کرامت بخشیدن ذاتی به انسان در جهت تعالی اوست. حق متعال نیز در قرآن اعطای کرامت انسانی را موهبتی از جانب خود قلمداد می نماید و می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^۱. در فرامین اسلامی هیچ تفاوتی بین انسان ها مورد لحاظ قرار نگرفته است و عامل تمایزدهنده انسان ها فقط تقوای الهی شمرده شده است و از وظایف کارگزار اسلامی رفتار لطف مدار با مردم شمرده شده است.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند. احترام به مردم و رفتار کرامت‌مدار موجب تسخیر دل‌ها می‌شود. امام علی (ع) مالک را به حکومت بر دل‌ها تشویق می‌کند و دستور رحمت و محبت و لطف را در باره رعایا صادر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۲۶۹)؛ که این دیدگاه از جمله دلایلی است که گذشت و محبت نسبت به مردم را به ارمغان خواهد آورد.

امام خمینی (ره) در مورد کرامت انسان‌ها و ضرورت عدم تبعیض می‌فرماید: هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیرغنی، اشخاص سفید و سیاه، [و] گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم و ترک و غیر ترک — به هیچ وجه — امتیازی ندارند... باید این امتیازات از بین برود و همه مردم علی‌السواء هستند باهم و حقوق تمام اقشار به آن‌ها داده می‌شود (موسوی الخمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۴۶۱-۴۶۲). بی‌شک از ملزومات احترام به کرامت انسانی، ضرورت برنامه‌ریزی و رفتار بر مبنای عدالت است. این امر چنان در اسلام مورد اهمیت است که رسول خدا (ص) به مردی که یکی از بچه‌های خود را بوسید و دیگری را از خود دور کرد، فرمود: «چرا با فرزندان خود به طور مساوی رفتار نکردی؟!» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۱۳)؛ زیرا اگر رفتار زعمای حکومت اسلامی با مردم بر مبنای عدالت و برابری نباشد، بی‌اعتمادی، کینه‌توزی و دشمنی‌های خطرناک، دامن‌گیر جامعه خواهد شد و بحران جامعه اسلامی را خواهد گرفت، پس شالوده احترام به کرامت انسانی، حکمرانی بر اساس عدل بین مردم است.

چنین نگرش کرامت گونه در زوایای دستگاه قضاء می‌تواند تأثیر بسزایی برجای گذارد؛ به عنوان نمونه نوع تعامل با مجرمان، تدوین لوایح قضائی، مجازات‌های بدل از حبس، تعامل با ارباب رجوع و فرایند دادرسی از مهم‌ترین مقولاتی هستند که با اولویت قراردادن اصل تکریم، نتایج بارزی را در جهت تخلق به اخلاقی به همراه خواهد داشت.

به عنوان نمونه بازنگری در فرایند دادرسی از موضوعاتی است که می‌تواند موجب تحقق عدالت در جامعه گردد؛ «باید دیوان سالاری را به نحوی سازماندهی و تنظیم کرد که به عدالت کمک کند؛ زیرا عدالت ملاک و اصل است؛ اجرای عدالت و احقاق حق و ابطال باطل» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۴/۷).

۴-۴- خدمتگزاری به مردم

رهبر معظم انقلاب خدمت به مردم در قوه قضائیه را افتخار قلمداد می‌کنند و بیان می‌کنند که «هر تلاشی که در این قوه یا در جهت همکاری و همراهی و کمک به این قوه صورت گیرد، یک حسنه و یک کار برجسته و نیکِ عندالله است. اگر خدای نکرده این قوه فلج باشد، هر چه دستگاه‌های دیگر خوب کار کنند، نخواهند

توانست خلأهای ناشی از تجاوزها و سوءاستفاده‌ها و قصورها و تقصیرها را پُر کنند؛ یعنی تمامیت نظام جز به تمامیت و کمال قوه قضائیه تحقق پیدا نخواهد کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۴/۵).

ایشان «حرکت جهادی» در امور قضائی و جهت خدمت‌رسانی به مردم را جزو مؤلفه‌های اعتماد ساز قوه قلمداد می‌نمایند که می‌تواند منجر به کسب سرمایه اجتماعی شود. «حرکت جهادی، یعنی جدی، شبانه‌روزی، پُرتلاش، پُرانگیزه؛ یک حرکت این‌جوری بود، بحمدالله آثار خوبی هم داشت و مهم‌ترین اثر این حرکت همین بود که امید مردم به قوه قضائیه را زنده کرد، احیا کرد، مردم را به قوه قضائیه خوش‌بین کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۴/۷).

همچنین ایشان بر گسترش «نهضت خدمت‌رسانی» در قوا تأکید و چنین بیان می‌کنند که «فلسفه‌ی وجود ما خدمت به مردم است. در روایات وارد شده است که والی و حاکم اسلامی - حاکم در همه‌ی سطوح؛ وزیر و استاندار و بالاتر و پایین‌تر و همه، مشمول این جمله‌اند - با مردم باید مثل پدر مهربان نسبت به فرزندان باشد. اگر به شما خبر برسد که فرزندان از بیماری، از سرما، از گرما، از گرسنگی، از تحقیر، از اهانت و از غربت رنج می‌کشند، چه حالی پیدا می‌کنید؟ می‌توانید تحمل کنید؟ در سطح کشور نسبت به هرکس چنین اتفاقی بیفتد تا آنجایی که شما علم و اطلاع دارید، باید همین احساس را داشته باشید؛ نباید آرام و قرار داشته باشیم. نهضت خدمت‌رسانی یعنی این. این خدمت را باید برای مردم محسوس کنیم».

بنابراین کارگزاران اسلامی بر مقوله خدمت‌رسانی به دیگران تأکید می‌کنند و منافع شخصی را فدای منافع دیگران می‌کنند تا افراد از درایت و اختیار و سلامت بیشتری برخوردار شوند و خودشان تبدیل به رهبرانی خدمتگزار شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که رهبر خدمتگزار بر ادراک کارکنان از عدالت سازمانی تأثیر دارند و هر یک از ابعاد خدمتگزاری - اعم از خردمندی، ایثارگری، بازنمایی اقناعی، التیام‌بخشی عاطفی، مباحث و پیشکاری - بر عدالت سازمانی تأثیر دارد و گرایش ارزشی به ابعاد خدمتگزاری می‌تواند بیشترین تأثیر را بر عدالت سازمانی داشته باشد (رجبی و ایمانی خو، ۱۳۹۶: ۶۶).

در فرهنگ اسلام، مناصب حکومتی نقشی در تشخیص بخشیدن جهت تفاخر فردی محسوب نمی‌شود بلکه ابزاری در جهت خدمت‌رسانی به مردم و مستضعفین جامعه اسلامی قلمداد می‌شود. به سبب شرط وجود عدالت در مناصب قضائی این امر از اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) خطاب به جابر بن عبدالله انصاری چنین فرموده است: «يَا جَابِرُ، مَنْ كَثُرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۲).

امام خمینی (ره) نیز خدمت به مردم را وظیفه شرعی می‌دانست و می‌فرمود: اگر به من بگویند خدمتگزار بهتر از این است که بگویند رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام ما را موظف کرده

است که خدمت بکنیم (موسوی الخمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۶۳)؛ و در جای دیگر می‌فرماید: من با مردم ایران برادر هستم و خود را خادم و سرباز آنان می‌دانم (موسوی الخمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۵۴).

۴-۵- استقلال قضات و آراء مستدل قضائی

از مهم‌ترین عناصری که نقش مستقیمی در اعتماد عمومی به قوه قضائیه دارد، بی‌تردید، مستدل و محکم بوده حکم صادره از محاکم دادگستری است؛ اگر افکار عمومی نسبت به موضوعات خاص قضائی احساس نمایند که عواملی بر ذهن قاضی به صورت مستقیم اثرگذار بوده است، احساس ناامیدی نسبت به دادگستری در وجود مردم رخنه می‌نماید و تنها راه مبارزه با چنین نگرش خامی در افکار عمومی، این است که «حکم باید آن‌چنان مستحکم و مستدل باشد که در همه سطوح قابل دفاع باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۴/۵). از راهکارهای مهمی که می‌تواند اتقان آراء را در دستگاه قضاء برجسته کند، توجه ویژه به برگزاری کرسی‌های نقد رأی در دستگاه قضائی با حضور حقوق‌دانان و وکلای قاضی صادر کننده رأی است. اگرچه در حال حاضر وجود چنین نشست‌هایی در قوه قضائیه مشاهده می‌شود اما این حرکت، در قوه قضائیه به صورت مستمر و وسیع فراگیر نشده است؛ گفتنی است که برگزاری چنین نشست‌هایی مخصوصاً در پرونده‌های مهم قضائی می‌تواند منجر به توسعه استقلال قضات نیز گردد، زیرا قاضی به سبب بررسی رأی در نشست‌های تخصصی، خود را در برابر افکار عمومی حقوق‌دانان نیز حاضر می‌بیند و تلاش می‌کند تا رأی صادره از نهایت اتقان برخوردار باشد.

استقلال قاضی در دیدگاه مقام معظم رهبری از چند جهت می‌تواند نقض گردد چراکه «با تلفن و امر کسی نمی‌شود قضاوت کرد؛ باید با وجدان و علم و حجت شرعی خود قضاوت کند. این دستوردهنده تحمیل‌کننده کیست؟ شکل عادی معمولی ساده قدیمی آن این است که یک نفر بگوید آقا این‌گونه حکم کن؛ طور دیگر هم می‌شود قاضی را زیر فشار قرارداد: با تیتروژنامه، با فشار سیاسی و انواع و اقسام جوسازی. از یک طرف قاضی باید تحت تأثیر این جوسازی‌ها قرار نگیرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۴/۷). گفتنی است که با توجه به عناصر فوق که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب بوده است، قوه قضائیه نیز تلاش کرده است که با استفاده از اهرم‌های مختلف حقوقی این عناصر را در حوزه تصمیم‌سازی و راهبردی قوه، مورد توجه قرار دهد. به عنوان نمونه می‌توان به سند امنیت قضائی مصوب رئیس قوه قضائیه در سال ۹۹ یا دستورالعمل کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه مصوب رئیس قوه قضائیه در سال ۹۸ اشاره کرد که در آن تلاش شده است تا راهبرد تحقق دادرسی عادلانه و راهکارهای تضمین آن تبیین گردد.

نتیجه

هیچ کشوری بدون سرمایه اجتماعی از طرف مردمان، نمی‌تواند به کمال و هدف غایی خود دست یابد و

بسیاری از کشورها بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی خود توانسته‌اند به قله‌های موفقیت دست یابند. باتوجه به منظومه فکری مقام معظم رهبری، سرمایه اجتماعی به زندگی افراد جامعه جهت می‌دهد و احساس خوشبختی فردی را به آن‌ها اعطاء می‌نماید. در نتیجه هر چه بتوان سرمایه اجتماعی منسجم‌تری را برای نظام اسلامی مهیا نمود، پیشرفت بیشتری برای جامعه به ارمغان خواهد رسید و به همان تناسب آسیب‌های اجتماعی کمتری جامعه را در معرض تهدید قرار خواهد داد. اعتماد به قوه قضائیه از مهم‌ترین ارکان سرمایه اجتماعی است که با سلامت قوه قضائیه و اعتماد عمومی به آن، مردم نسبت به سایر قوای حکمرانی نیز احساس تعلق و اطمینان پیدا می‌کنند.

باتوجه به مطالبی که در متن پژوهش اشاره گردید، عنصر حسن اعتماد در هند سه فکری رهبری، نقش بسزایی را در حکمرانی مطلوب ایفا می‌کند، به‌طوری‌که تفرقه و بی‌اعتمادی می‌تواند حلقه انسجام حکومت اسلامی را به خطر اندازد. مسئولان قوه قضائیه هرچه قدر بتوانند حسن اعتماد مردم نسبت به ارکان و حقانیت حکومت را توسعه بخشند، به تبع آن سرعت پیشرفت در جهت تحقق حکمرانی مطلوب نیز شایان توجه خواهد گردید و با فقدان و یا ضعف دال اعتماد مردمی در ارتباط با دادگستری، حرکت رشد جامعه مختل خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی قدرت بیشتری را برای رشد و گسترش ایجاد خواهند کرد، چراکه با ایجاد بحران در اجتماع، بحران‌های خردتر همچون بیکاری، فحشاء، خشونت، جامعه‌گریزی، عدم اعتماد به نفس و... شایع خواهد شد.

اعتماد می‌تواند به علت گستردگی معنایی، در مرحله گذر از بحران‌های موجود در روند توسعه سیاسی-اجتماعی به‌نحو مؤثری به نظام اسلامی کمک کند و در ورودی پرونده‌های قضائی، تصمیم‌گیری‌ها، الگوسازی‌ها، عملکردها و خروجی نظام می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر شمرده شود و نبود آن ناآرامی و بحران در جامعه را در پی خواهد داشت.

باتوجه به نتایج فوق، بر قوه قضائیه لازم است که با رعایت مؤلفه‌های اعتمادساز، مردم را با بدنه حکومت پیوند زده تا عنصر بی‌اعتمادی زمینه جدایی مردم از نظام اسلامی را فراهم نکند. مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتمادساز که در هند سه فکری اسلام رعایت آن‌ها بر دولت اسلامی فرض است را می‌توان چنین عنوان نمود که بی‌توجهی نسبت به عوامل فوق سیل خروشان آسیب‌ها اجتماعی را در پی خواهد داشت: الف) ضرورت پاسخ‌گویی کارگزاران، ب) فروتنی کارگزاران، ج) احترام به کرامت ذاتی انسان، د) خدمتگزاری به مردم، ه) استقلال قضات و مستدل بودن احکام قضائی.

منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- صحیفه سجادیه
- باقری زنوز، بهارک، علمی، محمود (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی؛ نشانه‌های آسیب شناختی روابط اجتماعی در ایران، مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۵.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه.
- حرانی، ابن میثم (۱۳۷۵)، شرح نهج البلاغه ابن میثم، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی‌زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- حق‌شناس، معصومه (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، مجله حدیث زندگی، شماره ۲۷.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و مسئولین قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۵، باز یابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۷۹)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲، باز یابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۸۰)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۰/۴/۷، باز یابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۸۱)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۵، باز یابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۸۲)، بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۲، باز یابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۸۳)، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۶، باز یابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۸۳)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۷، باز یابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۹۰)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۶، باز یابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.

- _____ (۱۳۹۴)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۰، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۹۵)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۹، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۹۵)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۳، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۹۷)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۱۵، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۹۷)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۶، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۳۹۸)، بیانات مقام معظم رهبری با رئیس و مسئولین قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۵، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۴۰۰)، بیانات مقام معظم رهبری با رئیس و مسئولین قوه قضائیه، در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۷، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۴۰۰)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۶، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- _____ (۱۴۰۰)، بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹، بازیابی از پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی اینترنتی: <https://farsi.khamenei.ir>.
- رجبی فرجاد، حاجیه، ایمانی خو، شبنم (۱۳۹۶)، تأثیر رهبری خدمتگذار بر ادراک کارکنان از عدالت سازمانی، فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، سال نهم، شماره ۳۳.
- زارعی متین، حسن، اکبری، ظاهر (۱۳۹۱)، تکبر و بررسی آثار آن در وظایف اساسی مدیریت، مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، پیاپی ۴.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره دوم.

- طبرسی، رضی‌الدین حسن بن فضل (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم: نشر شریف رضی.
- طبیب، سیدعبدالحسین (۱۳۸۶)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد چهارم، قم: انتشارات مؤسسه سبّطین.
- عارف کشفی، حسام‌الدین (۱۳۷۶)، چگونه افراد بی اعتقاد را به مشارکت در کار گروهی جلب کنیم، مجله تدبیر، شماره ۷۸.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۶)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- گل‌صنملو زین‌العابدین، موحدی محب عبدالله (۱۳۹۰)، حکومت و حقوق متقابل مردم و زمامداران در نهج‌البلاغه، مجله مطالعات تفسیری، دوره دوم، شماره هفتم.
- گیدنز آنتونی (۱۳۸۸)، چشم اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلالی پور، تهران: ناشر طرح نو.
- متوسلی، محمود، بی‌نیاز، علی (۱۳۸۱)، رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۵.
- مجدی، علی اکبر (۱۳۸۳)، پاسخ‌گویی و نقش آن در تقویت اجتماعی، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۴۹ و ۵۰.
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمومنین (علیه‌السلام)، جلد ۱۰، انتشارات دارالکتب الاسلامیه: تهران.
- موسوی‌الخمنی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، انتشارات مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نصحیان، محمدمهدی (۱۳۸۷)، نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی، مجله راهبرد یاس، شماره ۱۴.

انگلیسی

- Bourdieu, P. (1983). **Ökonomisches Kapital, Kulturelles Kapital, Soziales Kapital**. In Soziale Ungleichheiten (Soziale Welt, Sonderheft 2). R. Kreckel (eds). Goettingen, Otto Schartz & Co.
- Bourdieu, P. (1986). **The Forms of Capital**. In Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. J. Richardson (eds). New York, Greenwood Press.
- Bullen. P. Onyxe, J (1998), **Measuring social capital in five communities in nsw**, Sydney: university of Technology and managment alternatives.
- Coleman, J. (1988), Social capital in the creation of human capital, **American JOURNAL OF Sociology**, Vol. 94, supplement.
- Cox, E (1997), Building social capital, **Health Promotion Matter**, Vol. 4.
- Feldman, T.R, and Assaf, S (1999), Social Capital: conceptual frameworks and empirical evidence, The World Bank, **Social CAPITAL initiative, working paper**, No.5.
- Foley, M. W. and B. Edwards (1997). "Escape from politics? Social theory and the social capital debate." **American Behavioral Scientist** 40(5).

- Fukuyama, F (2001), Social capital, civil society and development, Series: **Third World Quarterly** 2001-feb vol. 22 iss. 1.
- Hind R. a. Grobel j (1991), **cooperation and prosocial behavior**, Cambridge, UK: Cambrige Univercity Press.
- Kawachi, I. Kennedy, B. P. and Lochner, K. and Prothwo-Stith, D. (1997), Social Capital, income inequality and mortality, **American Journal of public health**, Vol, 8- 35.
- Keefer, P. Knack, S. (2008). **Social Capital, Social Norms and the New Institutional Economics**. In: Ménard, C, Shirley, M.M. (Eds) Handbook of New Institutional Economics. Springer, Berlin, Heidelberg
- Ledeman, d., Loyza, N, Menendez, A. M (1999), **Violent crime: Does socisl capital matter?** Presented at the 1999 Annual Meeting of the Latin America, Econometric Society, Cancun, Mexico.
- Lichter, D. T, G. T. cornwell, D. J. Eggebeen (1994), Harvesting Human Capital: Family Structure and Education Among Rural Yout, **Rural Sociology**, 58.
- OECD, (2001), **The well-being of nation: The role of human and social capital**, OECD.
- Portes, A. (1998). "Social Capital: Its origins and applications in modern sociology." **Annual Review of Sociology** 24.
- *Robert D. Putnam (2001). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. Simon and Schuster.
- Wall, Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer (1998), Getting the Goods, on **Social Capital**, **Rural Sociology**, 63(2).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی